



The impact of stock dividends policies and non-executive managers on avoiding tax payment in companies listed in Tehran Stock Exchange

Mehdi Faraji^{1*}, Peyman Nagheli Darabad²

1. Islamic Azad University, Qazvin Branch, Iran
2. Khatam University, Tehran, Iran

Abstract

Reducing pre-tax profits or tax evasion is an important tax issue. Taxes are based on corporate profits, and corporate governance principles act as a balance between the agency's theory and stakeholders. The purpose of this study is to investigate the effect of stock dividends policies and the role of non-executive managers on tax avoidance in companies listed in Tehran Stock Exchange. For this purpose, 108 companies have been surveyed between 2014 and 2020. The result of studying 756 year-observation in the form of compositional data and unbalanced panel using the generalized least squares method, indicates a negative and significant relationship between profit dividing policy and tax avoidance. The results also show that there is a positive and significant relationship between non-executive board members and tax avoidance and among the control variables, company size, return on assets, financial leverage, intangible assets, investment intensity in fixed asset, total accruals and R&D costs have a significant relationship with tax avoidance.

Keywords: Tax avoidance, Stock dividends policies, Independence of the board, Non-executive managers.

* Corresponding author: Mehdi Faraji, Mh.Faraji1365@gmail.com



تأثیر سیاست‌های تقسیم سود سهام پرداختی و مدیران غیراجرایی بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران

مهدی فرجی*

گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قزوین، ایران
کارشناس ارشد حسابداری، دانشگاه خاتم، تهران، ایران

پیمان ناقلی درآباد

چکیده

کاهش در میزان سود قبل از مالیات یا اجتناب از پرداخت مالیات، از بحث‌های مهم مالیاتی است. مالیات بر اساس سود شرکت‌ها تعیین می‌شود و اصول حاکمیت شرکتی به عنوان برقرار کننده تعادل میان نظریه نمایندگی و ذینفعان عمل می‌کند. هدف از مطالعه حاضر، بررسی تأثیر سیاست‌های تقسیم سود سهام پرداختی و نقش مدیران غیراجرایی بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. برای این منظور، ۱۰۸ شرکت طی بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۹۹ مورد بررسی قرار گرفته است. نتیجه بررسی ۷۵۶ سال-مشاهده به صورت داده‌های ترکیبی و پنل نامتوازن و با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته، حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار، بین سیاست تقسیم سود و اجتناب مالیاتی است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که بین اعضای غیر موظف هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و از متغیرهای کنترلی، اندازه شرکت، نرخ بازده دارایی‌ها، اهرم مالی، دارایی نامشهود، شدت سرمایه‌گذاری در دارایی ثابت، کل ارقام تعهدی و هزینه تحقیق و توسعه نیز دارای رابطه معنی‌داری با اجتناب مالیاتی می‌باشند.

واژگان کلیدی: اجتناب از پرداخت مالیات، سیاست‌های تقسیم سود، استقلال هیئت مدیره، مدیران غیراجرایی.

۱. مقدمه

مالیات، نوعی هزینه است که افراد جامعه آن را برای بهره برداری از امکانات، منابع خدمات عمومی و ضروری، تضمین امنیت و دفاع همگانی و آبادانی کشورها به دولت خود پرداخت می کنند و در واقع، بخشی از درآمدهای جامعه یا بخشی از سود فعالیت اقتصادی است که نصیب دولت می شود؛ زیرا دولت ابزار و امکانات دستیابی به درآمد و سودها را برای آنها فراهم آورده است. مالیات از حیث جایگاه کسب درآمد به چهار منبع مالیات بر درآمد، مالیات بر دارایی، مالیات بر سرمایه و مالیات بر خدمات تقسیم می شود (امیری و اوجی، ۱۳۹۷). طبق ماده ۱۰۵ اصلاحی قانون مالیات های مستقیم مصوب سال ۱۳۸۰، سهم دولت ۲۵ درصد از سود اشخاص حقوقی است که باید در وجه دولت واریز شود (دیدار و همکاران، ۱۳۹۳). بحث اجتناب از پرداخت مالیات، از موارد مطرح در حوزه مالیات، می باشد. در ادبیات، تعاریف مختلفی از اجتناب از پرداخت مالیات وجود دارد و می توان آن را در سطح گسترده، به عنوان کاهش مالیات های آشکار تعریف کرد. این تعریف را دیرینگ و همکاران (۲۰۰۸)، برای اولین بار ارائه کردند که تمام رویدادهایی را شامل می شود که بر بدهی مالیاتی شرکت اثر می گذارد. این تعریف بین فعالیت های واقعی با مطلوبیت مالیاتی، تمایز قائل نمی شود. از سوی دیگر، برخی اجتناب از مالیات را به صورت انجام اقدامات قانونی به منظور کاهش بدهی مالیاتی تعریف می کنند (امیری و اوجی، ۱۳۹۷).

سیاست های تقسیم سود نیز، از موضوعات مورد توجه ادبیات مالی در سال های اخیر بوده است زیرا سود تقسیمی، بیانگر پرداخت های نقدی عمده شرکت ها و از مهم ترین گزینه ها و تصمیمات پیش روی مدیران به شمار می رود. مدیران و مالکان باید تصمیم بگیرند که چه میزان از سود شرکت، تقسیم و چه میزان در قالب سود انباشته یا سایر حساب ها در شرکت باقی بماند و سرمایه گذاری شود. سود سهام قابل تقسیم بین سهامداران شرکت به صورت نقدی سهمی یا دارایی غیر نقدی می باشد. این سود، متاثر از قوانین محیطی است و می تواند میزان متفاوتی داشته باشد. گستره این سود می تواند علاوه بر سود سال جاری حداکثر تا حد کل سود انباشته و حتی صرف سهام و اندوخته ها (به استثنای اندوخته قانونی) را نیز در بر بگیرد. به طور منطقی، انتظار می رود با پایداری و تداوم سودآوری شرکت، سود تقسیمی نیز قاعده مندتر و قابل پیش بینی تر توزیع گردد. به سیاست ها و راهبرد شرکت در میزان نگهداری یا توزیع سود و طریقه آن، "سیاست تقسیم سود" می گویند (خدامی پور و همکاران، ۱۳۹۲).

اثر مالیاتی نیز از عوامل مؤثر بر سیاست تقسیم سود و قیمت سهام شرکت ها می باشد. به طوری که برخی از محققان نشان دادند با افزایش نرخ مالیات، مدیران شرکت ها تمایل دارند که سود پرداختی به سهامداران را به طور قابل توجهی کاهش دهند (هولمن و همکاران، ۲۰۰۸). همچنین نرخ مالیات، عایدات سرمایه ای بلندمدت به مراتب از مالیات سود سهام نقدی کمتر است، بنابراین سرمایه گذاران ممکن است ترجیح دهند که شرکت ها، سود را تقسیم نمایند و مبلغ مذکور مجدد در شرکت سرمایه گذاری گردد (گلستانی و همکاران، ۱۳۹۳).

از طرف دیگر، هیأت مدیره شرکت، نهاد هدایت کننده‌ای است که نقش نظارت بر کار مدیران اجرایی را به منظور حفظ منافع مالکیتی سهامداران بر عهده دارند. معمولاً بیان می‌شود که موفقیت مطلوب شرکت در گرو هدایت مطلوب آن است. در انگلستان، در گزارش کدبری توصیه شده است که باید بین اعضای هیأت مدیره، فرایند توازن قوا وجود داشته باشد تا هیچکس قادر به کنترل بی قید و شرط تصمیم‌گیری در شرکت نباشد. از دیدگاه نظریه نمایندگی، حضور مدیران غیر موظف در هیأت مدیره شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آن‌ها به منزله افرادی مستقل، به کاهش تضاد منافع موجود مدیران و ذینفعان کمک زیادی می‌کند. همبریک و جکسون (۲۰۰۰) معتقدند هر چه تعداد اعضای مستقل هیأت مدیره در ترکیب هیأت مدیره بیشتر باشد، عملکرد شرکت بهتر خواهد بود؛ نتیجه‌ای که محققانی چون دونالدسون و دیویس (۱۹۹۱) خلاف آن را به تأیید رسانده‌اند. به طور معمول، هیأت مدیره دارای تعداد مدیران غیر موظف بیشتر، تصویر مثبتی از استقلال و مسئولیت پاسخگویی را برای سهامداران تداعی می‌کند و حصول اطمینان از رعایت ویژگی‌های حاکمیت شرکتی را نیز افزایش می‌دهد، در نتیجه، انتظار می‌رود در شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی کمتر باشد، تعداد اعضای غیر موظف هیأت مدیره بیشتر است (امیری و اوجی، ۱۳۹۷).

با توجه به مطالب پیشگفته، می‌توان اذعان داشت، پرداخت سود سهام منجر به افزایش اجتناب مالیاتی شرکت‌ها شده، در حالی که، نظارت مدیران مستقل منجر به کاهش اجتناب مالیاتی می‌شود (مک کلور و همکاران، ۲۰۱۸). بنابراین، مسئله اصلی و اساسی تحقیق حاضر، بررسی تأثیر سیاست‌های تقسیم سود سهام پرداختی و نقش مدیران غیر اجرایی بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. اهمیت این تحقیق در این است که به گونه‌ای تجربی به مدیران، سرمایه‌گذاران و سایر تصمیم‌گیرندگان و مراجع مالیاتی نشان دهد که سیاست تقسیم سود سهام و نظارت مدیران غیر اجرایی بر اجتناب مالیاتی تأثیر دارد.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

۲.۱. اجتناب مالیاتی

به طور کلی، دو دیدگاه پیرامون تحقیقات تجربی در مورد فعالیت اجتناب از پرداخت مالیات وجود دارد؛ دیدگاه نخست این است که مدیران با هدف کاهش تعهدات مالی شرکت و صرفه جویی وجه نقد، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را انجام می‌دهند. بنابراین، از نظر سرمایه‌گذاران، اجتناب از پرداخت مالیات، افزایش دهنده ارزش شرکت است و مدیران برای به کار بستن چنین فعالیت‌هایی باید تشویق شوند و پاداش بگیرند؛ پژوهش فیلیپس (۲۰۰۳) نمونه‌ای از این دیدگاه از فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات است و بیان می‌کند پاداش دادن به مدیران واحدهای تجاری بر مبنای سود پس از مالیات، کاهش دهنده نرخ مؤثر مالیاتی شرکت‌هاست. براساس دیدگاه نخست، صرفه جویی ناشی از فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات می‌تواند منبع مالی ارزش شمندی برای ضعف مالی شرکت‌ها باشد و تأمین مالی از طریق بدهی یا وجه نقد را کاهش دهد.

دیدگاه دوم به مساله نمایندگی مربوط می‌شود و در آن، اجتناب از پرداخت مالیات، به عنوان سپری برای فرصت طلبی و انحراف منافع توسط مدیران است. رفتار اجتناب از پرداخت مالیات با در نظر گرفتن تضاد منافی مورد بررسی قرار می‌گیرد که در نتیجه جدایی مالکیت و کنترل و راهبرد اجتناب از پرداخت مالیات ایجاد می‌شود. این محققان بیان کردند

که راهبردهای اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق است و این کار با هدف کاهش میزان مالیات از طریق پنهان کردن حقایق از میزان مالیاتی صورت می پذیرد (پورحیدری و همکاران، ۱۳۹۳).

نوع مشروع اجتناب از پرداخت مالیات، از تفاوت بین قوانین مالیاتی و اصول پذیرفته شده حسابداری ناشی می شود. نمونه‌ای از این مورد روش محاسبه هزینه استهلاک است. قوانین مالیاتی، شرکت‌ها را ملزم می کند که با استفاده از روش الزامی شده در قانون دارایی را مستهلک کنند، اما اصول پذیرفته شده حسابداری به شرکت‌ها اجازه می دهد هزینه استهلاک را به گونه ای محاسبه کنند که اطلاعات بهتری به استفاده کنندگان صورتهای مالی منتقل شود (اسلمرد، ۲۰۰۴).

۲.۲. نرخ مؤثر مالیات نقدی

هانلون و هیتزمن (۲۰۱۰)، بیان داشتند نرخ مؤثر مالیات نقدی، به وسیله مالیات نقدی پرداختی در صورت کسر محاسبه می شود و به وسیله راهبردهای تأخیر در پرداخت مالیات، تحت تأثیر قرار گرفته، اما تحت تأثیر تغییر در اقلام تعهدی سود حسابداری قرار نمی گیرد. نرخ مؤثر مالیات نقدی سالانه می تواند موجب ناهماهنگی بین صورت و مخرج کسر گردد. چون ممکن است مالیات نقدی پرداختی شامل پرداخت مالیات بر سود دوره های مختلف باشد، درحالی که مخرج کسر شامل سود دوره جاری است. موارد متعددی را می توان برشمرد که طی آن، قانون شرایط ویژه ای برای مودیان در نظر گرفته و مودیان نیز می توانند از شرایط در نظر گرفته شده یا ضعف قانون و مصوبات مربوطه به نفع خود استفاده نمایند.

در ایران، مانند سایر کشورها به موجب قانون، تخفیف‌ها و معافیت‌های مالیاتی برای برخی صنایع، مناطق و افراد در نظر گرفته شده است. برای مثال ماده ۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی مصوب ۱۳۸۸/۰۹/۲۵ مجلس شورای اسلامی مقرر می نماید که شرکت‌های دارای ۲۰ درصد سهام شناور آزاد، مشمول معافیت مالیاتی ۲۰ درصدی می شوند. پیش از این طبق ماده ۱۴۳ قانون مالیات‌های مستقیم مقرر شده بود که شرکت‌های عضو بورس مشمول معافیت مالیاتی ۱۰ درصدی می باشند. هر چند که هدف این قانون، توسعه و گسترش سهام شناور و افزایش نقدشوندگی سهام و همچنین تسهیل در اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی عنوان شده، اما باید خاطر نشان کرد که این قانون و کاستی‌های مربوط به نظارت و سایر قوانین، این امکان را برای شرکت‌ها فراهم می نماید که با مبادلات به ظاهر قانونی سهام، درصد سهام شناور شرکت را به حد نصاب رسانده و شرکت مشمول معافیت ماده ۶ قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی شود و نرخ مالیاتی آن به جای ۲۲/۵ درصد؛ با نرخ ۲۰ درصد محاسبه و پرداخت شود. موارد متعددی را می توان برای اجتناب مالیاتی برشمرد؛ نمونه پیشگفته، فوق تنها یکی از مواردی است که شرکت‌ها می توانند بوسیله آن مالیات خود را کاهش دهند (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴).

۳.۲. سیاست تقسیم سود

در ادبیات مالی، سیاست تقسیم سود به تصمیم شرکت برای پرداخت سود سهام یا انباشته کردن آن اشاره دارد. سیاست تقسیم سود نشان می دهد که به چه مقدار و چند بار سود در دوره مالی تقسیم شود (جبارزاده و متوسل، ۱۳۹۱). میزان

سود خالص کسب شده از ارکان اصلی تصمیم‌گیری‌های مدیران شرکتها، می‌باشد. هنگام افزایش میزان سود شرکت‌ها، به همان نسبت نیز تصمیمات سرمایه‌ای مدیران تحت تأثیر قرار گرفته و سیاست‌های بلندمدت شرکت‌ها در جهت سوق پیدا خواهد کرد که میزان سرمایه‌گذاری بلندمدت افزایش یابد (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۰۶). با افزایش سود مکتسبه شرکت، توقع سهامداران نیز در دریافت سود سهام بیشتر شده و انتظارات سهامداران با توجه به میزان رشد سود خالص، رشد مثبتی را تجربه خواهد کرد. سود کسب شده شرکتها، به دو بخش نقدی و غیر نقدی (تعهدی) تقسیم می‌شود. بخش نقدی سود مکتسبه قابلیت انعطاف پذیری بالایی داشته و در هر دو بخش سود سهام تقسیمی بین سهامداران و انجام سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت قابلیت اجرا است (پاناسلوئوس، ۲۰۱۵). ادبیات موجود نشان می‌دهد که تقلیل سود تقسیمی ممکن است با سطوح پایین تر از اجتناب مالیاتی همراه باشد. آدام اسمیت، اقتصاددان مشهور اسکاتلندی، نخستین شخصی بود که سود را اینگونه تعریف کرد: سود مبلغی است که مصرف آن آسیبی بر سرمایه وارد نمی‌کند. سرجان هیکس (۱۹۳۹)، اقتصاد دان انگلیسی و برنده جایزه نوبل، با بیانی دقیق‌تر، سود را اینگونه تعریف کرد: سود، مبلغی است که شخص طی یک دوره زمانی مصرف کند و ثروتش در پایان دوره مانند اول دوره باشد (امیری و همکاران، ۱۳۹۶). نظریه‌های متداول در زمینه روش‌های سنجش عملکرد شرکت‌ها، از جمله تغییرات تقسیم سود سهام، بیان شده در بسیاری از فنون مالی، این فرضیه است که مدیران داخلی نسبت به مدیران مستقل، اطلاعات بیشتر و کامل‌تری را در مورد فعالیت شرکت، در اختیار دارند. با فرض صحیح بودن این فرضیه، می‌توان ادعا نمود که مدیران داخلی، تصمیمات بهتر و آگاهانه‌تری را نسبت به اعضای خارج از سیستم، اتخاذ می‌نمایند، زیرا از وجود اطلاعات محرمانه‌ای آگاهند که سرمایه‌گذار خارج از سیستم، از آن با خبر نیست. برای مثال، مدیران بودجه‌بندی، آگاه از جزئیات حرکت فعالیت شرکت، می‌توانند از مسائلی باخبر باشند که سایر اعضا از آن بی‌خبرند و یا سرمایه‌گذاران شرکتهای داخلی، ممکن است از وجود اطلاعات خاصی در اقتصاد کشور خود، در تصمیم‌گیری راجع به سهام خود بهره‌برند، در شرایطی که سرمایه‌گذاران شرکتهای چندملیتی، آن اطلاعات را در تصرف خود ندارند (موسوی شیری و همکاران، ۱۳۹۵).

تحقیقات فراوانی در تلاش بوده‌اند تا دلیل این را بیابند که چرا شرکت‌ها، سود تقسیم می‌کنند. مالیات، پیام برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی، قراردادهای ناقص، هزینه‌های معاملاتی یا سرمایه‌گذاران نهادی. بحث مربوط به مالیات اشاره به این دارد که شرکت‌ها باید تقسیم سود خود را به حداقل برسانند چون نرخ مالیاتی بالایی را بر اشخاص تحمیل می‌کند. در نظریه پیامدهی، مدیران از سود تقسیمی به عنوان پیام پر هزینه برای اطلاعات محرمانه خود استفاده می‌کنند. طبق نظریه نمایندگی، توزیع با ثبات وجه نقد هزینه‌های نمایندگی را کاهش می‌دهد. سود تقسیمی می‌تواند به عنوان روش مطلوب برای کاهش هزینه‌های معاملات برای سهامداران در مدیریت و جوهشان باشد. برای مثال، اگر برای آنها تأمین مالی مصارفشان از طریق فروش سهام پر هزینه باشد، تقسیم سود برای سهامداران با ارزش است. در نهایت، شرکت‌ها، سود تقسیمی را برای جذب سرمایه‌گذاران نهادی پرداخت می‌کنند. از آنجایی که محدودیت‌های قانونی، تقسیم سود را برای سرمایه‌گذاران نهادی جذاب می‌کند بنابراین تقسیم سود می‌تواند روش مناسبی برای ترغیب چنین

سرمایه گذارانی باشد. دی آنجلو (۱۹۹۶) عقیده دارد که سود تقسیمی می تواند ابزار مناسبی برای کاهش مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی باشد (بن دیوید، ۲۰۱۰).

۴,۲. عوامل مؤثر بر سیاست تقسیم سود

به طور کلی، عوامل مؤثر بر سیاست تقسیم سود از قبیل: محتوای اطلاعاتی و علامت دهی سود تقسیمی، موقعیت های سرمایه گذاران سود آور، محدودیت های قراردادی، وجود ثبات در سودآوری شرکت، درجه اهرم مالی، تداوم در روند سود تقسیمی در گذشته، سیاست تقسیم سود در شرکت های رقیب، هزینه تأمین مالی از منابع خارجی، معافیت مالیاتی مربوط به سرمایه گذاری مجدد عایدات، نقدینگی، دسترسی به منابع تأمین مالی خارجی، تورم، انتظارات و ترجیحات سهامداران و سایر عوامل است (خدای پور و همکاران، ۱۳۹۲).

۵,۲. سیاست های متداول تقسیم سود در شرکت ها

شرکتهای سهامی عام باید در رابطه با تقسیم سود، سیاست مشخصی را اتخاذ کنند. در تدوین این سیاست عوامل متعددی از جمله سیاست های مورد استفاده در سایر شرکتهای مشابه، ملاحظات مالیاتی، هزینه تأمین مالی خارجی، هزینه معاملاتی و نمایندگی، تورم، وضعیت نقدینگی، پایداری سود، کنترل و ترجیحات شخصی مدیریت، شرایط فعلی شرکت از لحاظ مالی و عملیاتی و سایر عوامل باید مورد توجه قرار گیرد.

برخی از سیاست های تقسیم سود از نظر هامپتون (۱۹۹۰) شامل: پرداخت سود سهام ثابت، کاهش پرداخت سود سهام، پرداخت سود سهام پایدار در سطح بالاتر، تغییرات سود سهام متناسب با تغییرات درآمد، سود سهام پایین به اضافه سود سهام فوق العاده، عدم پرداخت سود سهام برای دوره بلند مدت می باشد.

۶,۲. نظریه های سیاست تقسیم سود

اولین گام های نظریه پردازی در زمینه سیاست تقسیم سود، به پیش بینی اثر پرداخت سود بر قیمت سهام مربوط می شود. در طول قرن اخیر سه مکتب فکری در این زمینه (اثر پرداخت سود بر قیمت سهام) به وجود آمد. نتایج تحقیقات مکتب اول نشان می دهد، سود سهام پرداختی اثر مثبت و قابل توجهی بر قیمت سهام دارد، گروه دوم بر این باورند، قیمت سهام همبستگی منفی با میزان سود سهام پرداختی دارد و گروه سوم مدعی اند میزان تقسیم سود شرکت در ارزیابی قیمت سهام نامربوط است (کاظمی و همکاران، ۱۳۹۶).

بر اساس مکاتب فکری مذکور، نظریه های تقسیم سود به صورت: نظریه هموار سازی تقسیم سود، نظریه نامربوط بودن سود تقسیمی، نظریه پرنده در دست، نظریه اثر مالیاتی تقسیم سود، نظریه تأثیر مشتریان و موکلین، نظریه عدم تقارن اطلاعاتی (نظریه علامت دهی و هزینه نمایندگی)، نظریه چرخه عمر است. مدل های نظری و مشاهده ای (تجربی) سیاست تقسیم سود، اخیراً به گونه های دیگر طبقه بندی شده اند. در این طبقه بندی، نظریه های مذکور بر اساس وجود نقاط مشترک در یک طبقه قرار گرفته اند و در نظر گرفتن طبقه جداگانه با عنوان مدل های رفتاری در ترکیب طبقه بندی نظریه های تقسیم سود می باشد (عابدی و گرامی، ۱۳۹۵).

۷،۲. استقلال هیأت مدیره

استقلال هیأت مدیره، از سازو کارهای مهم حاکمیت شرکتی تلقی می شود و نقش مهمی در بهبود کیفیت گزارش شگری مالی و افزایش پاسخگویی ایفا می کند. مدیران غیر موظف عضو هیأت مدیره نسبت به سایر اعضای هیأت مدیره مزبور، انگیزه قوی تری برای نظارت بر کار مدیران اجرایی و فرایند گزارش شگری مالی دارند و نظارت بهتر بر کار مدیران اجرایی به حفظ و ارتقای شهرت کاری اعضای غیر موظف هیأت مدیره کمک می کند. شواهد تجربی محققان هم راستا با پیش بینی های نظری (برای مثال، نظریه نمایندگی) از کاهش معنی دار هزینه نمایندگی به واسطه افزایش حضور مدیران غیر موظف در هیأت مدیره حمایت می کنند. مساله قدرت برخی مدیران اجرایی مساله ای است که بسیاری از شرکت با آن دست به گریبان هستند. در بسیاری شرکت ها، قدرت زیادی به مدیران اجرایی واگذار شده است، به گونه ای که این قدرت می تواند برای شرکت زیان بار باشد. برای حل این مشکل در اکثر نقاط دنیا، تعداد مدیران مستقل و حرفه ای را افزایش داده اند (رضائی و حیدرزاده، ۱۳۹۳).

۸،۲. پیشینه پژوهش

لی و تران (۲۰۱۹)، پژوهشی با عنوان اینکه "آیا و چگونه سیستم تقسیم سود سهام باعث کاهش اجتناب مالیاتی می شود" را انجام دادند. تحقیقات آنها در کشور استرالیا انجام شد و بازه زمانی پژوهش فوق از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ بوده است. نتایج این پژوهش نشان داد که شرکت هایی کمتر به اجتناب مالیاتی روی می آورند که سهم زیادی از سود قبل از مالیات خود را به عنوان سود سهام توزیع می کنند و همچنین دارای مالکیت خارجی کمتری هستند.

کورمان و ولتا (۲۰۱۹)، به پژوهشی با عنوان "تأثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیات شرکتی" پرداختند. آنها در پژوهش خود ۷۹ مقاله را که در رابطه با حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی بود بررسی کردند. نتایج آنها نشان داد که حاکمیت شرکتی زمانی که خود را در قالب نظریه ذینفعان نشان دهد با اجتناب مالیاتی دارای رابطه مستقیم و معنادار است اما نظریه کلاسیک در حاکمیت شرکتی نتوانسته که به طور کامل از اجتناب مالیاتی جلوگیری کند.

اولیده، الایی و الاوالیه (۲۰۱۸)، پژوهشی با عنوان "تأثیر مالیات بر سیاست تقسیم سود" پرداختند. تحقیقات آنها در کشور نیجریه بود. بازه زمانی این پژوهش فوق طی ۵ سال از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ است. نتایج تحقیق نشان داد که مالیات شرکت ها، هیچ تأثیر روشنی بر سیاست تقسیم سود ندارد.

مک کلار، لانیس، ولز و گوندیر (۲۰۱۸) پژوهشی تحت عنوان "تأثیر سیاست تقسیم سود سهام بر اجتناب مالیاتی شرکت ها" پرداختند. آنها به طور کلی، سود سهام شرکت ها را به سه دسته تقسیم از قبیل، شرکت هایی که سود سهام را با اعتبار مالیاتی پرداخت می کنند، شرکت هایی که سود سهام را بدون اعتبار مالیاتی پرداخت می کنند و شرکت هایی پرداختند که سود سهام پرداخت نمی کنند. نمونه پژوهشی شامل ۴۷۲۹ شرکت - سال طی دوره ۲۰۰۴ الی ۲۰۱۵ است تحقیقات آنها در شرکت های کشور استرالیا بود. نتایج پژوهش حاکی از آن بود که شرکت های که سود سهام را با اعتبار مالیاتی می پردازند به احتمال زیاد کمتر به اجتناب از پرداخت مالیات، با نرخ مؤثر مالیات نقدی به میزان ۱۶/۹

درصد بیشتر از شرکت های که سود سهام را بدون اعتبار مالیاتی می پردازند و ۱۴/۷ درصد بیشتر از شرکت های می پردازند که سود سهام نمی پردازند.

مومنی و همکاران (۱۳۹۸)، پژوهشی با عنوان "تأثیر کاهش سود سهام بر اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" بوده است. نمونه آماری این پژوهش شامل ۸۵ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶ بوده است. در این پژوهش، با استفاده از روش رگرسیون تابلویی نتایج نشان داد که ارتباط منفی و معناداری بین تقسیم سود و اجتناب مالیاتی وجود دارد و علت وجود این ارتباط منفی ناشی از ارقام تعهدی است نه ارقام نقدی.

امیرحسینی و همکاران (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان "تأثیر اندازه و استقلال هیأت مدیره بر رابطه سود سهام پرداختی و اجتناب مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" بوده است. نمونه آماری پژوهش فوق شامل ۱۰۷ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۵ بوده است. در پژوهش فوق با استفاده از روش رگرسیون چندگانه تابلویی نتایج نشان داده شد که سود سهام پرداختی، اندازه و استقلال هیأت مدیره بر اجتناب مالیاتی تأثیر منفی و معنی داری دارد.

غلامی و فقیه (۱۳۹۶)، پژوهشی با عنوان تأثیر اجتناب مالیاتی بر قدرت پیش بینی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام دادند. نمونه آماری پژوهش فوق شامل ۹۹ شرکت پذیرفته شده در بورس در طی بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۳۹۲ به صورت تجزیه و تحلیل داده های ترکیبی بوده و نتایج نشان داد که اجتناب مالیاتی قدرت پیش بینی سود را کاهش می دهد به بیانی دیگر، اگرچه اجتناب مالیاتی منجر به افزایش جریان های نقدی آینده گردیده اما ممکن است به دلیل عدم قطعیت و تحقق آن از قدرت پیش بینی سود بکاهد.

صفری گرایلی و پودینه (۱۳۹۵)، پژوهشی با عنوان "اجتناب مالیاتی و به موقع بودن اعلان سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" انجام دادند. نمونه آماری پژوهش فوق شامل ۱۰۷ شرکت پذیرفته شده در بورس در طی بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۹۳ به صورت تجزیه و تحلیل داده های ترکیبی بوده و نتایج نشان داد که فعالیت اجتناب مالیاتی، سبب تأخیر در اعلان سود سالانه شرکت ها می گردد.

۳. فرضیه های پژوهش

باتوجه به مباحث پیشگفته، مبانی نظری و پیشینه تحقیق، فرضیه های پژوهش به شرح زیر است:

- فرضیه ۱:** بین سیاست های تقسیم سود سهام و سطح اجتناب مالیاتی شرکت ها، رابطه معنی داری وجود دارد.
- فرضیه ۲:** بین اعضای غیرموظف هیأت مدیره و سطح اجتناب مالیاتی شرکت ها، رابطه معنی داری وجود دارد.
- فرضیه ۳:** وجود اعضای غیرموظف هیأت مدیره، اثر تعدیل کننده بر رابطه بین شرکت هایی که سود سهام بیشتری پرداخت می کنند با سطح اجتناب مالیاتی شرکت ها دارد.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر، از منظر فرایند اجرا (نوع داده ها) پژوهش کمی، از منظر منطق اجرا پژوهش استقرایی، از نظر بُعد زمانی، پژوهش طولی و از منظر نتیجه اجرا، پژوهش کاربردی است و با توجه به تجزیه و تحلیل روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته از نوع همبستگی می باشد. قلمرو مکانی، این تحقیق شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی این تحقیق، طی دوره های مالی ۱۳۹۳-۱۳۹۹ است که حائز معیار های شمول زیر باشند و اطلاعات مورد نیاز برای محاسبه متغیرهای تحقیق را دارا باشند.

در این تحقیق برای همگن سازی جامعه آماری از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است. برای این منظور ۵ معیار زیر در نظر گرفته شده است و در صورتی که شرکتی، کلیه معیارها را احراز کرده باشد به عنوان عضو جامعه تحقیق انتخاب شده است.

- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی شرکت ها منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد.
- به منظور همگن بودن اطلاعات، شرکتها از نوع سرمایه گذاری، بیمه ای و واسطه گری مالی نباشد.
- به منظور قابل یکنواخت بودن اطلاعات، در طول دوره پژوهش، تغییری در سال مالی نداشته باشند.
- شرکتها باید جزء شرکت های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران باشند.
- شرکت هایی که دارای زیان نباشند.

با در نظر گرفتن این محدودیت ها تعداد ۱۰۸ شرکت و ۷۵۶ سال - شرکت برای این پژوهش انتخاب شده است. در این پژوهش، برای گردآوری داده های مورد نظر، از روش کتابخانه ای استفاده گردیده است. در بخش کتابخانه ای، مبانی نظری پژوهش از مجلات تخصصی جمع آوری گردید و سپس داده های مورد نظر از صورت های مالی شرکت های منتخب بورسی، یادداشت های توضیحی و با استفاده از سایت کدال سازمان بورس و اوراق بهادار استخراج شده است.

۴.۱. روش تجزیه و تحلیل داده ها

در این تحقیق، به منظور تجزیه و تحلیل داده ها و آزمون فرضیه ها، از مدل رگرسیون استفاده شده است. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار در قالب فایل های اطلاعاتی تهیه شده و در نهایت پس از اعتبار مدل، محاسبات آماری و برآوردها با استفاده از نرم افزارهای آماری Stata14 و Minitab19 انجام می شود.

۲,۴. مدل و متغیرهای مورد استفاده در پژوهش

در این پژوهش، برای آزمون فرضیه های تحقیق از مدل رگرسیون چند متغیره استفاده شده است. همچنین، در این تحقیق، از نرخ مؤثر مالیات نقدی، برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی استفاده شده است، در این صورت مدل رگرسیون مورد استفاده در زیر آورده شده است:

$$\text{Cash ETR}_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{DIVP}_{it} + \alpha_2 \text{OUTSIDE}_{it} + \alpha_3 \text{DIVP}_{it} * \text{OUTSIDE\%}_{it} + \alpha_4 \text{SIZE}_{it} + \alpha_5 \text{LEV}_{it} + \alpha_6 \text{ROA}_{it} + \alpha_7 \text{INTANGIBLE ASSET}_{it} + \alpha_8 \text{TOTAL ACCRUALS}_{it} + \alpha_9 \text{RDINT}_{it} + \alpha_{10} \text{CAPINT}_{it} + \varepsilon_{it}$$

جدول ۱. متغیرهای عملیاتی پژوهش

نام متغیر	نماد متغیر	نوع متغیر	شرح	نحوه تعیین / محاسبه
نرخ مؤثر مالیات نقدی	Cash ETR	وابسته	مالیات پرداختی t+1 سود قبل از کسر مالیات سال قبل t	از صورت سود و زیان و صورت جریان وجه نقد شرکت ها
سیاست تقسیم سود	DIVP	مستقل	سود سهام مصوب میانگین کل دارایی ها در صورتی که نتایج بدست آمده از نسبت فوق بزرگتر از میانگین باشد برابر با یک، در غیر اینصورت برابر با صفر	از گردش حساب سود انباشته و ترازنامه شرکت ها
درصد مدیران مستقل	OUTSIDE	مستقل	اعضای غیر موظف هیأت مدیره کل اعضای هیأت مدیره	از سایت کدال بورس اوراق بهادار
اندازه شرکت	SIZE	کنترلی	لگاریتم طبیعی جمع دارایی ها	از ترازنامه شرکت ها
نرخ بازده دارایی ها	ROA	کنترلی	سود قبل از مالیات کل داراییها	از صورت سود و زیان و ترازنامه شرکت ها
اهرم مالی	LEV	کنترلی	جمع بدهیها کل داراییها	از ترازنامه شرکت ها
دارایی نامشهود	INTANGIBLEASSET	کنترلی	کل داراییهای نامشهود کل داراییها	از ترازنامه شرکت ها
کل اقلام تعهدی	TOTALACCRUAL	کنترلی	سود خالص دوره منهای جریان وجه نقد عملیاتی دوره	از صورت سود و زیان و صورت جریان وجه نقد شرکت ها
شدت سرمایه گذاری در دارایی ثابت	CAPINT	کنترلی	مجموع دارایی های ثابت ناخالص کل داراییها	از ترازنامه و یادداشت های همراه صورت های مالی شرکت ها
هزینه تحقیق و توسعه	RDINT	کنترلی	شرکت های که دارای هزینه تحقیق و توسعه باشند، برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود	از یادداشت های همراه صورت های مالی شرکت ها

۵. یافته‌های پژوهش

۱,۵. آمار توصیفی

مهم ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده هاست. میانگین نرخ مؤثر مالیات نقدی در شرکت های نمونه، ۱۹ درصد می باشد، به عبارتی دیگر، به ازای هر ۱۰۰ ریال سود (زیان) قبل از کسر مالیات، به طور متوسط سالانه ۱۹ ریال وجه نقد بابت مالیات پرداخت شده است. با توجه به اینکه تمام درآمدهای شرکت ممکن است مشمول مالیات نباشد، در نتیجه این نرخ تحت تأثیر فعالیت های اجتناب مالیاتی شرکت قرار می گیرد. برای محاسبه نرخ قانونی مالیات شرکت، با توجه به ماده ۶ قانون توسعه ابزارها و نهاد های مالی که در سال ۱۳۸۸ تصویب و در سال ۱۳۸۹ دستورالعمل مربوطه تصویب و ابلاغ گردید؛ اقدام به تعیین نرخ مالیات می شود. نرخ مالیاتی شرکت ها تا قبل از سال ۱۳۸۸ با نرخ ۲۲/۵ (سازمان امور مالیاتی، ۱۳۹۱: ۱۴۳) و از سال ۱۳۸۹ به بعد چنانچه سهام شناور شرکت حداقل ۲۰ درصد بوده باشد، با نرخ ۲۰ درصد و در غیر این صورت با نرخ ۲۲/۵ درصد تعیین گردیده است. از آنجایی که نرخ قانونی مالیات برای شرکت های بورسی ۲۲/۵ درصد می باشد، با توجه به نتایج فوق ملاحظه می گردد که میانگین نرخ مؤثر مالیات نقدی ۳/۵ درصد از نرخ قانونی مالیات کمتر است. بررسی بیشتر حاکی از این مطلب است که برخی از شرکت ها توانستند اجتناب مالیاتی نمایند و به رغم اینکه سود ده بودند و در شرایط عادی باید مالیات پرداخت می نمودند، کلاً از پرداخت مالیات شانه خالی نمودند. همچنین برخی از شرکت ها نیز در برخی از سال ها، مالیات بیشتری شناسایی و پرداخت نمودند که مبین آن است که برخی از فعالیت ها نرخ مالیاتی متفاوتی دارند و فعالیت های شرکت باعث شده مالیات بیشتری متوجه شرکت شود و به اصطلاح سیاست معکوس اجتناب مالیاتی اتخاذ نمودند. بیشترین مبلغ مالیات پرداختی در شرکت های نمونه متعلق به تاید و اتر خاورمیانه است زیرا اقدام به پیش پرداخت مالیات نموده است. لازم به ذکر است که برای محاسبه سیاست تقسیم سود، از نسبت سود سهام مصوب بر میانگین کل داراییها استفاده شده است که میانگین نتایج حاصل در شرکت های نمونه برابر با ۱۱ درصد می باشد. در پژوهش حاضر، در صورتی که شرکت ها بیش از ۱۱ درصد سود سهام تقسیم نمایند عدد ۱ در غیر این صورت عدد صفر خواهد شد. میانگین سیاست تقسیم سود در شرکت های نمونه ۴۱ درصد است، یعنی ۴۱ درصد شرکت ها بالاتر از ۱۱ درصد سود سهام پرداخت کرده اند و مابقی کمتر از ۱۱ درصد سود به سهامداران پرداخت کرده اند. بالاترین سود پرداختی در شرکتهای نمونه متعلق به شرکت سیمان بهبهان می باشد. همچنین به طور متوسط ۶۵ درصد اعضای هیأت مدیره، غیر موظف هستند. از طرف دیگر جدول ذیل بیانگر این است که ۵۳ درصد دارایی های شرکت های مورد بررسی از محل بدهی ها تأمین مالی شده اند. همچنین متوسط سودآوری شرکت ها که از تقسیم سود قبل از کسر مالیات بر کل دارایی ها محاسبه گردیده، نیز ۱۸ درصد است. به طور متوسط ۶ هزارم درصد دارایی های شرکت های نمونه از دارایی نامشهود تشکیل شده است و همچنین ۴۳ درصد از دارایی های شرکت نمونه را دارایی های ثابت تشکیل می دهد که بیشترین دارایی ثابت در شرکت های نمونه متعلق به سیمان بجنورد می باشد. ۳۹ درصد شرکت های نمونه دارای هزینه های تحقیق و توسعه می باشند و در نهایت ۷,۸۶ (میلیارد ریال) اقلام تعهدی در شرکت های نمونه موجود است.

آماره های توصیفی متغیرهای کمی پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و این آماره ها برای انجام آزمون های استنباطی مطلوب و مناسب هستند.

جدول ۲. نتایج آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	تعداد	میانگین	میان	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی	کمترین	بیشترین
نرخ مؤثر مالیات نقدی	Cash ETR	۷۵۶	۰/۱۹	۰/۱۴	۰/۴۴	۰/۰۴	۲/۸۲	۰	۰/۹۷
سیاست تقسیم سود	DIV	۷۵۶	۰/۴۱	-	۰/۴۹	۰/۳۹	۱/۱۵	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰
درصد اعضای غیر موظف هیأت مدیره	OUTSIDE	۷۵۶	۰/۶۵	۰/۶۰	۰/۲۶	-۱/۱۲	۳/۹۵	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰
نرخ بازده دارایی	ROA	۷۵۶	۰/۱۸	۰/۱۵	۰/۱۳	۱/۰۳	۳/۸۹	۰/۰۰۰۰	۰/۶۷
اهرم مالی	LEV	۷۵۶	۰/۵۳	۰/۵۴	۰/۱۹	-۰/۳۰	۲/۵۸	۰/۰۱	۰/۹۵
اندازه شرکت	SIZE	۷۵۶	۰/۹۱	۰/۸۴	۰/۱۳	۰/۳۶	۱/۴۳	۰/۶۴	۱/۱۴
داراییهای نامشهود	INTANGIBLE ASSET	۷۵۶	۰/۰۰۶	۰/۰۰۱	۰/۰۱	۴/۰۹	۲۷/۶۳	۰/۰۰۰۰	۰/۱۱
شدت سرمایه گذاری در دارایی های ثابت	CAPINT	۷۵۶	۰/۴۳	۰/۳۹	۰/۲۷	۲/۹۲	۳۲/۰۵	۰/۰۰۰۰	۱/۲۵
هزینه تحقیق و توسعه	RD	۷۵۶	۰/۳۹	-	۰/۴۹	۰/۴۴	۱/۱۹	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰
اقلام تعهدی	TOTAL ACCRUAL	۷۵۶	e +۱۰ ۷/۸۶	e +۹ ۱/۲۱	۱/۴۶ e +۱۲	۶/۷۷۹۴	۱۳۴/۷۰	+۱۳ -۱/۲۷e	+۱۳ ۲/۵۱e

۲,۵. آمار استنباطی

۱,۲,۵. آزمون ریشه واحد

قبل از آزمون فرضیه های پژوهش، لازم است مانایی متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی پژوهش مورد بررسی قرار بگیرد. به منظور اطمینان از نتایج پژوهش و ساختگی نبودن روابط موجود در رگرسیون و معنی دار بودن متغیرها، آزمون مانایی و محاسبه ریشه واحد متغیرهای پژوهش انجام شد. برای آزمون مانایی متغیرهای پژوهش، روش لوین، لین و چو مورد استفاده قرار می گیرند (بالتاجی، ۲۰۰۵) که در جدول شماره (۳) نشان داده می شود.

جدول ۳. نتایج آزمون ریشه واحد لوین، لین و چو

متغیر	نماد	احتمال	نتیجه
نرخ مؤثر مالیات نقدی	Cash ETR	۰/۰۰۰۰	ماناست - ریشه واحد وجود ندارد
درصد اعضای غیر موظف هیأت مدیره	OUTSIDE	۰/۰۰۰۰	ماناست - ریشه واحد وجود ندارد
حاصل ضرب سیاست تقسیم سود در درصد اعضای غیر موظف هیأت مدیره	DIV*OUTSIDE	۰/۰۰۰۰	ماناست - ریشه واحد وجود ندارد
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۰۰	ماناست - ریشه واحد وجود ندارد
نرخ بازده دارایی ها	ROA	۰/۰۰۰۰	ماناست - ریشه واحد وجود ندارد
اهرم مالی	LEV	۰/۰۰۰۰	ماناست - ریشه واحد وجود ندارد
دارایی نامشهود	INTANGIBLE ASSET	۰/۰۰۰۰	ماناست - ریشه واحد وجود ندارد
شدت سرمایه گذاری در دارایی های ثابت	CAPINT	۰/۰۰۰۰	ماناست - ریشه واحد وجود ندارد
اقدام تعهدی	TOTAL ACCRUAL	۰/۰۰۰۰	ماناست - ریشه واحد وجود ندارد

۲,۲,۵. آزمون نرمال بودن مقادیر باقی مانده ها

فرض دیگر این است که جملات خطا باید از توزیع نرمال برخوردار باشد. براساس قضیه حد مرکزی، چنانچه تعداد مشاهدات افزایش یابد و به سمت بی نهایت میل کند ($n > 30$) توزیع آنها به سمت توزیع نرمال میل خواهد کرد (گجراتی - پورتر، ۲۰۰۹). همچنین در این تحقیق به منظور اطمینان از برقراری شرط فوق، از آزمون جارک برا استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۴ مشاهده می شود.

جدول ۴. نتایج آزمون نرمال بودن جمله خطا

مدل	آماره جارک برا	احتمال	نتیجه
۱	۳/۴۰	۰/۱۸۲	تأیید نرمال بودن جزء خطا
۲	۳/۸۳	۰/۱۴۲	تأیید نرمال بودن جزء خطا
۳	۴/۲۳	۰/۱۲۰	تأیید نرمال بودن جزء خطا

در جدول ۴ مشاهده می شود، سطح معناداری آزمون جارک برا برای هر سه مدل تحقیق بیشتر از ۵ درصد است. بنابراین می توان ادعا کرد فرض صفر، یعنی نرمال بودن اجزای خطا رد نمی شود؛ در نتیجه، اجزای خطای مدل ها از توزیع نرمال برخوردارند (گجراتی - پورتر، ۲۰۰۹).

۳,۲,۵. عدم وجود همخطی

همخطی به معنای وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل موجود در مدل می باشد. در این مطالعه برای بررسی عدم وجود هم خطی از شاخص عامل تورم واریانس (VIF) استفاده می شود. زمانی که شاخص عامل تورم واریانس کمتر از ۱۰ باشد نشان دهنده عدم وجود همخطی می باشد. نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۵) ارائه شده است:

جدول ۵. نتایج آزمون همخطی

مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱		نام متغیر	شاخص
VIF	1/VIF	VIF	1/VIF	VIF	1/VIF		
۹/۵۱	۰/۱۰	۱/۴۶	۰/۶۸	۱/۴۵	۰/۶۹	سیاست تقسیم سود	DIV
۱/۶۲	۰/۶۱	۱/۱۰	۰/۹۱	-	-	درصد اعضای غیر موظف هیأت مدیره	OUTSIDE
۹/۹۰	۰/۱۰	-	-	-	-	حاصل ضرب سیاست تقسیم سود در درصد اعضای غیر موظف هیأت مدیره	DIV*OUTSIDE
۱/۰۷	۰/۹۳	۱/۰۷	۰/۹۳	۱/۰۶	۰/۹۴	اندازه شرکت	SIZE
۱/۸۴	۰/۵۴	۱/۸۴	۰/۵۴	۱/۸۴	۰/۵۴	نرخ بازده دارایی ها	ROA
۱/۵۱	۰/۶۶	۱/۵۰	۰/۶۶	۱/۴۷	۰/۶۸	اهرم مالی	LEV
۱/۱۲	۰/۸۹	۱/۱۲	۰/۸۹	۱/۱۲	۰/۹۰	دارایی نامشهود	INTANGIBLE ASSET
۱/۱۷	۰/۸۵	۱/۱۷	۰/۸۵	۱/۱۵	۰/۸۷	شدت سرمایه گذاری در دارایی های ثابت	CAPINT
۱/۰۵	۰/۹۶	۱/۰۵	۰/۹۵	۱/۰۵	۰/۹۵	اقدام تعهدی	TOTAL ACCRUAL
۱/۰۹	۰/۹۲	۱/۰۹	۰/۹۲	۱/۰۷	۰/۹۳	هزینه تحقیق و توسعه	RD

جدول (۵) نشان می دهد که میزان عامل تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی در اکثر موارد در محدوده مجاز کمتر از ۵ است. تنها در مورد مدل ۳ و در خصوص متغیرهای سیاست تقسیم سود و اعضای غیر موظف هیأت مدیره که متغیرهای ضربی هستند میزان عامل تورم واریانس بیش از ۵ است که نشان از وجود هم خطی دارند و نیاز به رفع آن می باشد لیکن با توجه به آنکه این دو متغیر از متغیرهای اصلی هستند که نمی توان آنها را حذف کرد و این نکته که استفاده از روش پانل، هم خطی را رفع می کند، تخمین مدل با استفاده از پانل مشکل را رفع خواهد کرد (آلیسون، ۲۰۱۲).

۴,۲,۵. بررسی وجود خودهمبستگی و ناهمسانی واریانس بین جملات باقی مانده

برای بررسی استقلال باقی مانده از آزمون وولدریج استفاده شده است. وولدریج جدولی را تهیه کرده که می توان از آن استفاده کرد و وجود خود همبستگی را مشخص نمود (بالتاجی، ۲۰۰۵). همچنین برای بررسی ناهمسانی واریانس ها از آزمون بروش پاگان استفاده شده است (بالتاجی، ۲۰۰۵). نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۶) ارائه شده است:

جدول ۶. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس و خود همبستگی باقیمانده‌ها

خود همبستگی	آزمون خود همبستگی (وولدریج)		ناهمسانی واریانس	آزمون ناهمسانی واریانس (بروش پاکان)		فرضیه
	احتمال	F آماره		احتمال	F آماره	
وجود ندارد	۰/۰۵۲	۳/۸۵	وجود دارد	۰/۰۰۰	۲۷/۰۹	فرضیه اول
وجود دارد	۰/۰۴	۴/۲۳	وجود دارد	۰/۰۰۰	۵/۴	فرضیه دوم
وجود ندارد	۰/۶۷۷	۰/۱۷۴	وجود دارد	۰/۰۰۰	۲۱۲/۴۳	فرضیه سوم

با توجه به وجود ناهمسانی در هر سه فرضیه و وجود خود همبستگی در فرضیه دوم از روش حداقل مربعات تعمیم یافته به عنوان رفع ناهمسانی واریانس و خود همبستگی باقیمانده‌ها استفاده می شود.

۳,۵. نتایج حاصل از فرضیه‌ها

برای این که بتوان مشخص نمود که آیا استفاده از روش داده های تابلویی (پانل) در برآورد مدل مورد نظر کارآمد خواهد بود یا روش داده های تلفیقی (پولد)، از آزمون F لیمر استفاده می شود. در این آزمون پذیرش فرضیه H_0 بیانگر استفاده از روش داده های تلفیقی و رد آن استفاده از روش داده های پانل را توصیه می کند (گجراتی - پورتر، ۲۰۰۹). نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۷) ارائه شده است:

جدول ۷. نتایج آزمون F لیمر به تفکیک الگو

مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱	
احتمال	F آماره	احتمال	F آماره	احتمال	F آماره
۰/۰۰۰۰	۴/۴۳	۰/۰۰۰۰	۴/۴۶	۰/۰۰۰۰	۴/۵۵
داده های پانل (تابلویی)		داده های پانل (تابلویی)		داده های پانل (تابلویی)	

با توجه به نتایج بدست آمده در جدول شماره ۷، در هر سه مدل، سطح معنی داری آزمون F لیمر کمتر از ۰/۰۵ است بنابراین، برای برآورد مدل از روش داده های پانل استفاده شده است.

در ادامه به منظور اینکه مشخص گردد کدام روش (اثرات ثابت و یا اثرات تصادفی) برای برآورد مناسب تر است (تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوت های واحدهای مقطعی) از آزمون ها سمن استفاده می شود. در آزمون ها سمن در صورتی که فرض H_0 رد شود از روش اثرات ثابت و استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی و در صورتی که فرض H_0 رد نشود از روش اثرات تصادفی و استفاده از رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته بهره گرفته می شود (گجراتی - پورتر، ۲۰۰۹). نتایج حاصل از این آزمون در جدول (۸) ارائه شده است:

جدول ۸. نتایج آزمون هاسمن به تفکیک الگو

مدل ۳		مدل ۲		مدل ۱	
احتمال	آماره χ^2	احتمال	آماره χ^2	احتمال	آماره χ^2
۰/۰۰۰۰	۲۱/۲۸	۰/۰۰۰۰	۲۱/۷۹	۰/۰۰۰۰	۲۰/۸۶
اثرات ثابت		اثرات ثابت		اثرات ثابت	

در جدول شماره ۸ مشاهده می شود که سح معنی داری مربوط به آزمون هاسمن کمتر از ۰/۰۵ است و نشان می دهد که برای برآورد مدل باید از آزمون اثرات ثابت استفاده شود. نتایج حاصل از برآورد الگوهای فوق در جدول (۹) ارائه شده است:

جدول ۹. نتایج فرضیات

مدل ۳			مدل ۲			مدل ۱			Dependent Variable
Panel GLS			Panel GLS			Panel GLS			Method
۱۳۹۹ ۱۳۹۳			۱۳۹۹ ۱۳۹۳			۱۳۹۹ ۱۳۹۳			Periods included
۱۰۸			۱۰۸			۱۰۸			Cross-sections included
۷۵۶			۷۵۶			۷۵۶			Total observations
معنی داری	مقدار Z	ضریب (β)	معنی داری	مقدار Z	ضریب (β)	معنی داری	مقدار Z	ضریب (β)	متغیر
۰/۰۰	-۵/۱۳	-۱/۰۹	۰/۰۰	-۴/۸۰	-۰/۹۰	۰/۰۰	-۳/۷۷	-۰/۷۵	Constnt
۰/۴۹	۰/۶۹	۰/۰۸	۰/۰۰	-۴/۶۹	-۰/۱۹	۰/۰۰	-۴/۳۳	-۰/۱۸	DIV
۰/۰۰	۴/۸۶	۰/۶۳	۰/۰۰	۴/۵۰	۰/۴۶	-	-	-	OUTSIDE
۰/۰۲	-۲/۳۰	-۰/۴۲	-	-	-	-	-	-	DIV*OUTSIDE
۰/۰۹	۱/۶۶	۰/۲۸	۰/۱۶	۱/۳۹	۰/۲۳	۰/۰۱	۲/۴۷	۰/۴۰	SIZE
۰/۰۰	-۵/۸۱	-۱/۳۰	۰/۰۰	-۶/۱۹	-۱/۳۷	۰/۰۰	-۵/۷۳	-۱/۲۸	ROA
۰/۰۰	۷/۲۱	۱/۱۳	۰/۰۰	۷/۴۱	۱/۱۵	۰/۰۰	۶/۴۶	۱/۰۵	LEV
۰/۰۰	-۲/۷۸	-۷/۴۰	۰/۰۰	-۲/۹۵	-۷/۹۱	۰/۰۰	-۳/۰۴	-۸/۳۷	INTANGIBLE ASSET
۰/۰۰	۳/۴۸	۰/۳۲	۰/۰۰	۳/۲۹	۰/۳۱	۰/۰۰	۳/۹۴	۰/۳۷	CAPINT
۰/۰۴	-۱/۹۹	-۴/۴۵e-۱۴	۰/۰۵۳	-۱/۹۳	-۴/۲۵e-۱۴	۰/۲۰	-۱/۲۶	-۴/۶۶e-۱۴	TOTAL ACCRUAL
۰/۰۰	۳/۲۸	۰/۱۲	۰/۰۰	۳/۳۵	۰/۱۲	۰/۰۰	۳/۲۴	۰/۱۳	RD
۰/۱۹			۰/۱۹			۰/۱۸			ضریب تعیین
۰/۱۸			۰/۱۸			۰/۱۷			ضریب تعیین تعدیلی
۱۵/۹۷			۱۷/۴۱			۱۸/۵۵			آماره F فیشر
۰/۰۰۰۰			۰/۰۰۰۰			۰/۰۰۰۰			احتمال - آماره F فیشر

ضریب (β) و سطح معنی داری متغیر سیاست تقسیم سود برای مدل اول که مربوط به آزمون فرضیه یک می باشد به ترتیب برابر با ۰/۱۸- و ۰/۰۰۰ است و نشان می دهد این تأثیر منفی و معنادار است. همچنین با توجه به جدول، ملاحظه می شود که اندازه شرکت با نرخ مؤثر مالیات نقدی در فرضیه اول، دارای رابطه مثبت و معنی داری می باشد. دو دیدگاه در مورد رابطه بین نرخ مؤثر مالیاتی و اندازه شرکت وجود دارد که شامل نظریه هزینه سیاسی و نظریه قدرت سیاسی می باشد. به موجب نظریه هزینه سیاسی، شرکت های بزرگتر، قربانی فعالیت های دولتمردان شده و موظف به انتقال ثروت هستند. در مقابل، نظریه قدرت سیاسی بیانگر این است که شرکت های بزرگتر در برنامه ریزی مالیاتی و سازمان دهی کردن خود برای نیل به صرفه جویی مالیاتی بهینه، به نفع خود مدیریت کنند. بنابراین نتایج پژوهش فوق با نظریه هزینه سیاسی و همچنین با یافته های لی و تران (۲۰۱۹)، غلامی و فقیه (۱۳۹۶) مطابقت دارد اما با یافته های مک کلر و همکاران (۲۰۱۸) و صفری گرایلی و پودینه (۱۳۹۵) مطابقت ندارد.

از سوی دیگر، اهرم مالی نشان دهنده توانایی شرکت در بازپرداخت بدهی ها، خصوصاً بدهی های بلندمدت است. منافع مالیاتی از عواملی است که راهکار تأمین مالی را تحت تأثیر قرار می دهد. در این حالت، مدیریت برای رسیدن به سطح معینی از بدهی، صورت های مالی را دستکاری می کند. در نتیجه، سطح بالای بدهی ها، هزینه بهره را افزایش و سود شرکت را کاهش می دهد که این به نوبه خود هزینه مالیات شرکت را کاهش می دهد. نتایج جدول (۹) نشان می دهد که بین متغیر اهرم مالی با نرخ مؤثر مالیات نقدی در هر سه فرضیه، رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و با افزایش مبلغ مالیات بر درآمد، شرکت ها برای پرداخت مالیات اقدام به تأمین مالی (استقراض یا صدور انواع اوراق) می کنند که این امر باعث اهرمی شدن شرکت می شود. بنابراین پژوهش فوق با یافته های مک کلر و همکاران (۲۰۱۸)، غلامی و فقیه (۱۳۹۶) و صفری گرایلی و پودینه (۱۳۹۵) مطابقت ندارد. همچنین با مشاهده جدول (۹) ملاحظه می شود که بین متغیر نرخ بازده سهامداران با نرخ مؤثر مالیات نقدی در هر سه فرضیه رابطه منفی و معنی داری وجود دارد و همچنین بین متغیر کل ارقام تعهدی با نرخ مؤثر مالیات نقدی در فرضیه سه رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. به عبارتی وجود ارقام تعهدی، دست مدیریت را برای مدیریت سود باز می کند تا مدیریت بتواند با بیشتر نشان دادن هزینه ها، مالیات کم تری پرداخت نماید. همچنین بین متغیر دارایی های نامشهود با نرخ مؤثر مالیات نقدی در هر سه فرضیه، رابطه منفی و معنی داری وجود دارد و شرکت های بزرگتر بیشتر از شرکت های کوچکتر اقدام به اجتناب مالیاتی می کنند. نتایج پژوهش فوق با نظریه قدرت سیاسی مطابقت دارد. از طرفی دیگر، متغیر شدت سرمایه گذاری در دارایی ثابت با نرخ مؤثر مالیات نقدی در هر سه فرضیه دارای رابطه مثبت و معنی داری است و زمانی که نرخ مالیات پرداختنی افزایش می یابد، چون انتقال ثروت از سهامداران به سوی دولت است، و صرف جویی مالیاتی از انگیزه های مدیریتی برای دریافت پاداش است، بنابراین مدیریت، سود قبل از مالیات را در دارایی های ثابت (مناطق محروم) سرمایه گذاری می کند.

همچنین هزینه تحقیق و توسعه در هر سه فرضیه دارای رابطه مثبت و معنی داری می باشد. به عبارتی، مدیری که به دنبال بهبود میزان فروش شرکت خود باشد در درجه اول به فکر افزایش نرخ رشد فروش می باشد و در نتیجه، در هزینه تحقیق و توسعه ظرفیت تولیدی شرکت سرمایه گذاری می کند و منابع را به این سمت سوق می دهد. پس از این، از آنجا که

معمولا سود شرکت مورد توجه استفاده کنندگان اطلاعات قرار می گیرد، مدیر باید در فکر افزایش رقم مزبور نیز باشد و در نهایت چون سود شرکت افزایش یافته است بنابراین مبلغ مالیات پرداختی توسط شرکت افزایش می یابد. همچنین نتایج مقادیر آماره F نشان می دهد که رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد از لحاظ آماری معنادار است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده گویای این است که ۱۷ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی بیان می شود (گجراتی - پورتر، ۲۰۰۹).

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش که به بررسی ارتباط بین اعضای غیر موظف هیأت مدیره و اجتناب مالیات شرکتی می پردازد نشان می دهد که ضریب (β) و سطح معنی داری متغیر اعضای غیر موظف هیأت مدیره که به ترتیب برابر با ۰/۴۶ و ۰/۰۰ می باشد، رابطه مثبت و معنی داری بین اعضای غیر موظف هیأت مدیره و نرخ مؤثر مالیات نقدی وجود دارد. نتایج مقادیر آماره F نشان می دهد که رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد از لحاظ آماری معنادار است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده گویای این است که ۱۸ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی بیان می شود (گجراتی - پورتر، ۲۰۰۹).

نتایج آزمون فرضیه سوم که به بررسی رابطه اینکه آیا وجود اعضای غیر موظف هیأت مدیره، اثر تعدیل کننده در شرکت - هایی که سود سهام بیشتری تقسیم می کنند با اجتناب از پرداخت مالیات شرکتی دارد می پردازد نشان می دهد که ضریب (β) و سطح معنی داری اعضای غیر موظف هیأت مدیره در شرکت های که سود سهام بیشتری تقسیم می کنند به ترتیب برابر با ۰/۴۲- و ۰/۰۲ می باشد. این نتیجه بیانگر آن است که وجود اعضای غیر موظف هیأت مدیره در شرکت های که سود سهام بیشتری پرداخت می کنند با نرخ مؤثر مالیات نقدی دارای اثر تعدیل کننده و رابطه منفی و معنی داری دارد. نتایج مقادیر آماره F نشان می دهد که رابطه در سطح اطمینان ۹۵ درصد از لحاظ آماری معنادار است. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده گویای این است که ۱۸ درصد تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای توضیحی بیان می شود (گجراتی - پورتر، ۲۰۰۹).

۶. نتیجه گیری

در این پژوهش، به بررسی تأثیر سیاست های تقسیم سود سهام پرداختنی و نقش مدیران غیر اجرایی بر اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است. نتیجه حاصل از آزمون فرضیه اول حاکی از وجود رابطه منفی و معنادار بین سیاست تقسیم سود و اجتناب مالیات شرکتی است. علت وجود رابطه منفی را می توان به این دلیل دانست که از آنجایی که سهامداران، مخالف انتقال منابع از شرکت به سوی دولت هستند و از طرفی پاداش مدیران براساس عملکردشان تعیین می شود، مدیران سعی دارند تا خواسته های سهامداران را جلب کنند. پس یکی از راهبرد های مدیران، مدیریت مالیات است و مدیران باید به مضرات اجتناب از پرداخت مالیات توجه کنند زیرا می تواند بر حُسن شهرت شرکت لطمه وارد کند. نتایج فرضیه اول با یافته های لی و تران (۲۰۱۹)، یقینیوا (۲۰۱۸)، مک کلر و همکاران (۲۰۱۸)، مارتین هولمن و همکاران (۲۰۰۵)، مومنی و همکاران (۱۳۹۸)، جمالیان پور و همکاران (۱۳۹۷)، کاشانی

پور و همکاران (۱۳۸۸)، خدای پور و همکاران (۱۳۹۲)، گلستانی و همکاران (۱۳۹۳) مطابقت دارد. اما با یافته های بلوین و همکاران (۲۰۰۴) و آمرومین و همکاران (۲۰۰۵) مطابقت ندارد.

در فرضیه دوم به بررسی رابطه بین اعضای غیر موظف هیأت مدیره بر اجتناب مالیاتی شرکتی پرداخته شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین اعضای غیر موظف هیأت مدیره و اجتناب مالیاتی می باشد. علت وجود رابطه مثبت را می توان اینگونه تفسیر کرد که هر چقدر تعداد اعضای غیر موظف هیأت مدیره بیشتر باشد از رویکرد فرصت طلبانه مدیریت جلوگیری می شود. نتایج فرضیه دوم با یافته های امینی و همکاران (۱۳۹۴) و ناگروهو و آگوستا (۲۰۱۷) مطابقت ندارد اما با نظریه نمایندگی و با یافته های لی و میدو (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

در فرضیه سوم به این موضوع پرداخته شد که وجود اعضای غیرموظف هیأت مدیره، اثر تعدیل کننده بر رابطه بین شرکتی که سود سهام بیشتری پرداخت می کنند با سطح اجتناب مالیاتی شرکتها دارد. نتایج حاصل نشان داد که منفعتی در اجتناب از مالیات وجود دارد، که حتی حضور اعضای غیر موظف هیأت مدیره و پرداخت سود سهام بیشتر توانسته از اقدامات مدیریت در مدیریت کردن مالیات جلوگیری کنند. بنابراین نتایج پیشگفته با یافته های مک کلر و همکاران (۲۰۱۸) و آننگ و همکاران (۲۰۰۰) مطابقت دارد.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهادهای کاربردی زیر را ارائه کرد:

- با توجه به نتایج این تحقیق مبنی بر وجود رابطه منفی و معنادار بین نرخ مؤثر مالیاتی و سیاست تقسیم سود (فرضیه اول)، به سهامداران، تحلیلگران و سرمایه گذاران بازارهای مالی توصیه می شود در صورت تمایل به دریافت سود سهام بیشتر، اقدام به سرمایه گذاری در شرکتی نمایند که نرخ مؤثر مالیاتی پایین تری دارند.
- به سهامداران پیشنهاد می گردد هنگام انتخاب شرکت مورد نظر از سیاست سود تقسیمی آن شرکت و عواملی که ممکن است بر آن اثرگذار باشد، اطلاعات بیشتری کسب کنند. زیرا دانستن این اطلاعات باعث اتخاذ تصمیم بهتر در خصوص سرمایه گذاری و افزایش ارزش دارایی های سرمایه گذار و رشد و شکوفایی بازار سرمایه می گردد.
- با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر وجود رابطه معنی دار بین اعضای غیر موظف هیأت مدیره بر اجتناب مالیات شرکتی (فرضیه دوم)، به هیأت مدیره شرکتها پیشنهاد می شود که برای کاهش اجتناب مالیاتی شرکتها، تمرکز در زمینه حاکمیت شرکتی را مورد توجه قرار داده و جنبه های دیگر حاکمیت شرکتی مد نظر قرار بگیرد و به حقوق دولت به عنوان یکی از گروه های ذینفع توجه شود تا تعهدات مالیاتی برآورده شود، بنابراین می توان با ایجاد حاکمیت شرکتی مناسب با تشویق و حتی الزامی کردن کاربرد سازوکارهای های آن بوسیله بورس اوراق بهادار، نسبت به وصول درآمدهای مالیاتی اقدام نمود که از منابع مهم درآمدی کشور محسوب می شود.

پیشنهاد برای پژوهش های آینده به شرح زیر است:

- در پژوهش حاضر، برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی از میانگین نرخ مؤثر مالیات نقدی که از تقسیم مالیات پرداختی به سود قبل از مالیات سال قبل است استفاده شد. پیشنهاد می شود در تحقیقات آتی برای محاسبه اجتناب مالیاتی، از

معیارهای دیگری نیز، مانند نرخ مؤثر مالیات دفتری و اختلاف مالیات ابرازی و قطعی استفاده شود. همچنین به منظور محاسبه اجتناب مالیاتی از دوره های چند ساله استفاده شود.

- بررسی موضوع کاهش مالیات و اجتناب مالیاتی از منظر نظریه های اخلاق و نظریه ذینفعان.
- در این پژوهش، از اعضای غیر موظف هیأت مدیره به عنوان شاخص اصول حاکمیت شرکتی استفاده شد. در پژوهش های آتی از سایر شاخص های نظیر اندازه هیأت مدیره، سرمایه گذاران نهادی، دوگانگی مدیریت، کمیته های حسابرسی و حسابرسان داخلی استفاده شود تا تأثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی مورد آزمون قرار گیرد.

References

- Abedi, R., & Gerami, M. (2016). The Effect of Competition on Product Market and Effective Tax Rate on Profit Sharing Strategy of Manufacturing Companies Listed in Tehran Stock Exchange. Thesis for obtaining Master's degree in Accounting from Urmia University (in Persian).
- Allison, P. (2012). When can you safely ignore Multicollinearity? Statistical Horizons. Available online at: <http://statisticalHorizons.com>
- Amir Hosseini, Z., Heydarpour, F., & Moghim bekli, M. (2018). The Influence of Board Size and Independence on the Relationship between Payment Dividends and Tax Avoidance in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. Thesis for obtaining Master's Degree in Accounting, Islamic Azad University, Safadasht Branch (in Persian).
- Amiri, F., & Jafari Ogi, A. (2018). The effect of dividend payouts and oversight of foreign directors on tax avoidance in listed companies in Tehran Stock Exchange. Dissertation for master's degree in accounting, Islamic Azad University, Germe Branch (in Persian).
- Amromin, G., Harrison, P., Liang, N., & Sharpe, S. A. (2005). How did the 2003 dividend tax cut affect stock prices and corporate payout policy. Federal Reserve Bank of Chicago.
- Ang, J., Rebel, A., Cole, J., & Wuh., L. (2000). Agency costs and ownership structure. *Journal of Finance*, 55, 81-106.
- Baltagi, B. H. (2005). *Econometric analysis of data panel*. England: John Wiley & Sons Ltd.
- Blouin, J., Raedy, J., & Shackelford, D. A. (2004). Did dividends increase immediately after the 2003 reduction in tax rates? (No. w10301). National Bureau of Economic Research.
- Gholami, A., & Faghieh, M. (2017). The Impact of Tax Avoidance on Earning Predictability (Evidance from Tehran Stock Exchange). *Tax Journal*, 25(33) (in Persian).
- Gholestani, Sh., Deldar, M., Seydi, J., & Jfarishorche, H. (2014). Relationship between effective tax rate with dividend policy and return on equity in listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Economic Research and Policies*, 22(70), 181-204 (in Persian).
- Gujarati, N., & Porter, D. C. (2009). *Basic econometrics* McGrawHill/Irwin. New York..
- Hambrick, D., & Jakson, E. (2000). Ownership Structure, Boards and Directors, Paper presented at the August 2000 meeting of the Academy of Management, Toronto.
- Hampton, J. (1990). *Financial Decision Making: Concept, Problems and Cases*, 4 ed. Prentice Hall International, Inc. Englewood Cliffs.
- Hanlon, M., & Heitzman, S. (2010). A review of tax research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2-3), 127-178.

- Jabarzadeh, S., & Motavasel, M. (2012). Shareholder Satisfaction Theory and Identification of Factors Affecting Profit Sharing Policy in Tehran Stock Exchange Using Tobin Regression. *Investment Knowledge*, 1(3), 104-81 (in Persian).
- Kashanipor, M., Rahmani, A., & Hadinezhad, J. (2009). The Impact of Tax Rate Reduction in 2001 on Profit Sharing Policy. *Development and Capital Journal*, 3, 33-54 (in Persian).
- Kazemi, H., Torabian, M., & Barjikhani, M. (2017). Information Content of Earnings Quality, Earnings Sharing Policy and Audit Fees in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Management and Accounting Studies*, 2(4) (in Persian).
- Khodamipor, A., Hoshmand, R., & Deldar, M. (2013). The Impact of Effective Tax Rate on Profit Sharing Policy in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Tax Research Bulletin*, 17, 31-55 (in Persian).
- Kovermann, J., & Velte, P. (2019). The Impact of Corporate Governance on Corporate Tax Avoidance—A Literature Review. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 100270.
- Li, E., & Tran, A. (2019). The Australian dividend imputation system and corporate tax avoidance. In *Australian Tax Forum*, 34(2).
- Li, Q., Maydew, E. L., Willis, R. H., & Xu, L. (2017). Taxes and Director Independence: Evidence from Board Reforms Worldwide. *Vanderbilt Owen Graduate School of Management Research Paper*, (2860362).
- Martin Holmen, D., Knopf, & Stefan. P. (2008). Inside Shareholders Effective Tax rates & Dividends. *Journal of Banking & Finance*, 32, 1860–1869.
- Mashayeki, B., & Seydi, J. (2015). The Corporate governance and tax avoidance. *Journal of Accounting Knowledge*, 6(20), 83-103 (in Persian).
- McClure, R., Lanis, R., Wells, P., & Govendir, B. (2018). The impact of dividend imputation on corporate tax avoidance: the case of shareholder value. *Journal of Corporate Finance*, 48, 492-514.
- Momeni, A., Salehi, A., & Mosavi, M. (2019). The effect of dividend reduction on corporate tax avoidance in Tehran Stock Exchange, dissertation for Master of Accounting, Payam Noor University of Tehran, Tehran Payam Noor West Center (in Persian).
- Oloyede, A., Olaoye, C., & Oluwaleye, T. (2018). Impact of Corporate Taxation On Dividend Policy of Quoted Firms in Nigeria. *Advances in Social Sciences Research Journal*, 5(3)440-451.
- Porheydari, O., & Deldar, M. (2012). Investigating the Impact of Business Groups on the Profit Sharing Policy of Listed Companies in Tehran Stock Exchange. *Management Accounting*, 14, 67-94 (in Persian).
- Rezai, F., & Heydarzadeh, Sh. (2014). The effect of board credit on the relationship between agency costs and accumulated abnormal returns in investor firms. *Quarterly Journal of Asset Management and Financing*, 2(2) (in Persian).
- Safari, M., & Podineh, Sh. (2016). Tax Avoidance and Timeliness of Earnings Announcement: A case Study of Tehran stock Exchange. *Tax Journal*, 24(31) (in Persian).
- Wilson, R. J. (2009). An examination of corporate tax shelter participants. *The Accounting Review*, 84(3), 969-999

